

حکیم انقلاب

مرور چند اصل مهم در منظومه فکری امام خمینی بر اساس صحیفه امام

اندیشه سیاسی



مشاور پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و با تکیه بر بنیان‌های اندیشه عملی ایشان توانست بزرگ‌ترین انقلاب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر را رقم بزند و با عمل به این اندیشه در مقابل استکبار جهانی و استبداد داخلی بایستد و با مطالبه و پیگیری حقوق خویش، رژیم سلطنتی و استبدادی پهلوی را ساقط و نظام نوینی تحت عنوان جمهوری اسلامی مستقر کند و در راه این بزرگ‌ترین و بی‌سابقه‌ترین فرآیند مردم‌داری در کوهانه‌ترین زمان ممکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر گزار کند و به دنبال آن سلسله انتخابات پرشماری را عملی سازد.

جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای آغازین به عنوان حامی و پشتیبان محرومان و مستضعفان نقطه امید برای حرکت علیه ظلم و ستم حاکم بر جهان مطرح شد و با حضور و مشارکت مردم توانست مقاومت کند و به دفاع از حق در مقابل باطل بپردازد و به همین دلیل امام همواره به میزان بودن رأی مردم و اینکه اصل مردم هستند و مسئولان خادم آنها هستند، تأکید داشتند چرا که بیداری مردم ایران و حرکت و انسجام آنها به قدرتی تبدیل شد که نتوانست با آن قدرت در مقابله با قدرت‌های حمایت از محرومان و مستضعفان جهان بپردازد. با توجه به این مهم در این بحث به چند موضوع مهم و اساسی در اندیشه و عمل امام خمینی که در صحیفه امام منعکس شده، اشاره می‌شود.

۱- اخلاق

انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی رویکرد دوباره‌ای به نظریات مبتنی بر ضرورت اخلاق‌گرایی در سیاست داشت. بدون تردید امام خمینی یکی از بزرگان اخلاق در حوزه نظر و عمل است، درس‌های اخلاقی امام در قم در دهه ۲۰ و ۳۰ در روزهای جنبش و جمعه که روزه‌های عام و خاص است، کتاب‌های اخلاقی امام، سیره اخلاقی امام در برخورد با مسائل متعدد قبل از پیروزی و در دوران نظام جمهوری اسلامی بر اساس اخلاق است. اخلاق از دیدگاه امام یعنی وقتی عملی از حاکم جامعه اسلامی صادر می‌شود باید هدف آن رضایت الهی باشد، دستورات خدا را به کار ببرد و هرگز به مخلوقات خدا ستم نکند. هدف حکومت الهی این است که انسان‌ها تربیت شوند و به قرب الهی برسند. اولین اصل اخلاقی که امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر به آن معتقد بودند خدا محوری است که در این رابطه می‌فرماید: «کافی نیست که ما و شما در یک محفل جمع بشویم، و در جاهای دیگر هم مبین طور، لکن آن مقصدی که مقصد اسلام است و مورد امر خداوند تبارک و تعالی است و همه دنیا برای آن مقصد آمده‌اند، از آن مقصد غفلت نشود. باید گفتارها، انسان را برساند به معنویات و برساند به توحید کلمه و کلمه توحید» (صحیفه امام، جلد ۱۴، ص ۱۵۲). امام خمینی انسان را به اخلاق می‌داند و می‌فرماید: «عظمت انسان به اخلاق و رفتار و کردار انسان است، نه به اینکه توفیقش سیستم است یا باشد، نه به اینکه گارد داشته باشد، نه به اینکه خدمه داشته باشد، اینها عظمت انسان نیست.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۸۸).

۲- بیداری

به اعتقاد امام خمینی بیداری موجب ایستادگی و مقاومت، کسب استقلال، خودشناسی، پایان دادن به غفلت‌ها، دست برداشتن از هواهای نفسانی، مبارزه با استعمار و استثمار اراده کردن و توانستن، تحول و حل مسائل، نجات از گرفتاری‌ها، بازگشت مجد و عظمت مسلمین، پیروزی بر قدرت‌های بزرگ و دفاع از حقوق خود می‌شود. بدین جهت امید و آرزوی امام بیداری ملت‌های اسلام از غفلت‌ها و هوشیاری و آگاهی و بیداری نسل جوان بود، لذا با توجه به این مهم می‌فرماید: «ملتی که بخواد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته‌اند که بقیظه -بیداری- اول منزل است... ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام دهند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم.» (همان، ج ۱۳، ص ۵۳۱-۵۳۲).

که سبید سال آنها را خواب کردند هوشیار بشوند؛ اقتدا کنند به ایران که با هیچ بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند.» (همان، ج ۱، ص ۲۱).
۳- تلاش و کوشش در جهت حفظ کشور: «اینجانب به همه نوجوانان و جوانان و مرحله اول و پدران و مادران و دوستان آنرا دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاه‌ها را به نسل بعد سپردید و به همه نسل‌های مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیزو اسلام آدم‌ساز، دانشگاه‌ها را از انحراف و غرب و شرق‌زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی-اسلامی خود دست‌فردهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را نامید نماید.» (همان، جلد ۱۱، ص ۲۱۹).
۴- هم‌راهی با محرومین جامعه: «صنعت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به پیروی شما برای رسیدن به اهداف بلند، سعی و تلاش فراوانی در جهت انحراف و دوری جوانان از اسلام و قرآن انجام می‌دهند تا با ترویج بی‌بندوباری و فرهنگ ابتلای در میان جوانان آنان را مینماید. به عقاید و مسائل دینی بی‌توجه سازند تا بتوانند بدون هیچ مانع به اهداف متعدد خود برسند. اما با درایت و دروندترین حضرت امام بزرگ‌ترین رویوداد تاریخ که همت جوانان به وجود آمد، امام از نیروی پویای نظام استبدادی، دفاع از مذهب اسلامی و پاسداری کشور بهره فراوان گرفت و به کارآمدی آنان در پهنه کوشش‌های متنوع و انسان‌دوستانه امید زیادی داشت و خردمندانه ذخیره عزت و اقتدار کشور تلقی می‌کرد. بدین جهت همواره نگران آتیه و سرانجام جوانان بود که خدای نخواستد در ورطه غرور و بودیستی سقوط کنند. به همین جهت در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خود توصیه‌هایی را به عنوان مخالفت تلقی نمی‌کردند؛ بلکه انتقاد بجا و سازنده آنها را باعث رشد جامعه می‌دانستند و کنار گذاشتن گرایش‌های سیاسی در امور مدیریتی و تقنینی جامعه را به صلاح نمی‌دانستند لذا نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به این مهم فرا می‌خواند و لحاظ کردن قلب‌های جوان شما برای من، من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت روح جهان را درآیید.» (همان، ج ۲۱، صص: ۴۱۱-۴۱۲).

به توجّه به انکارناپذیر بودن تأثیرگذاری نسل جوان در تحولات اجتماعی، همواره نظر صاحب‌نظران و رهبران سیاسی- اجتماعی امام در این مملکت شکوفا شد، این تبدیل که پیدا شد و تحولی که در نفوس مسلمانان ایجاد پیدا شد، رمز پیروزی بود.» (همان، ج ۶، ص ۳۳۹).

۳- جوانان

جوانان از نگاه امام خمینی از جایگاهی والا برخوردارند، امام مردم را محور و اساس می‌داند که همه تحولات و رویدادها به دست آنان امکان پذیر است و در طول نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی به نقش مردم و تأثیرگذاری آن توجه ویژه‌ای داشته و به مسئولین و دست‌اندرکاران نیز سفارش نموده‌اند که این امر مهم را نه تنها فراموش نکنند بلکه اساس و محور کار خود قرار دهند. بدین جهت در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیر المؤمنین و حسین بن علی- صلوات الله علیه و آله- است. این ملت را بداند و در خدمتگاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای آنم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد تمام و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بداند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۲).

۴- جذب حداکثری

یکی از خصیصه‌های امام خمینی (ره) در اداره جامعه توجه به همه سلاقی، گروه‌ها و تفکرات و استفاده از نیروهای توانمند از هر جریانی بود و به جذب حداکثری که نور چشمان ما و اولیای آنم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد تمام و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بداند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۲).

۶- قانون

قانون‌مداری یک اصل محوری در اندیشه حکمرانی امام (ره) است. این مسأله از این نظر مهم است که در بسیاری از مسائل، گروه‌ها و تفکرات و استفاده از نیروهای توانمند از هر جریانی بود و به جذب حداکثری که نور چشمان ما و اولیای آنم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد تمام و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بداند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۲).

۲- حفظ استقلال، آزادی و ارزش‌های انسانی:

«از حفظ استقلال، آزادی و ارزش‌های انسانی» که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجمعات



این خدمت ارزشمند ملحوظ دارند و برای رضای مخلوق، خدای نخواستد به شخص خالق مبتلا نشوند و در حقیقت مجریان عدل الهی باشند.» (همان، ج ۱۸، ص ۴۷۰).

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران معتقد بود ملت ایران به همه گروه‌های مختلف برای رفع احتیاجات‌شان نیاز دارند لذا راه را باید برای همه باز و میدان را برای فعالیت همه مهیا کرد تا بتوان با واقع بینی و نگاه تکررگرا به این کشور خدمت کرد: «امروز ما احتیاج به همه گروه‌هایی که در کشور هستند، داریم و همه ملت ایران احتیاج به گروه‌های مختلف دارند و اسلام عزیز هم احتیاج به فعالیت همه شماها دارد. از طرف خدای تبارک و تعالی عذرما منقطع است، راه را باز کرد، موانع را برطرف کرد، دشمنان را کنار گذاشت و میدان را برای فعالیت باز کرد.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۳۵-۲۳۶).

امام خمینی چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چه بعد از آن به حضور همه مردم و گروه‌ها و مشارکت آنان در امور اعتدال‌راسخ داشتند و تحقق اصلاحات مورد نیاز جامعه را نیازمند حضور همه می‌دانستند: «همان‌طوری که برای برانداختن این نسل [دوهمان پهلوی] از این زمین، همه شرکت کردید و اگر همه نبودید نمی‌شد، برای ساختن ایران، که الان کار بسیار مشکلی است، همه باید کمک بکنید و هیچ این‌طور نیست که من بگویم که من مقدم، تو مقدم، این حرف‌ها نیست در کار، با هم صف واحد بنیان مرموض. همه با هم باشیم تا بتوانیم کار را به انجام برسانیم.» (همان، ج ۶، ص ۲۳۰).

۵- مردم

مردم در نگاه امام خمینی از جایگاهی والا برخوردارند، امام مردم را محور و اساس می‌داند که همه تحولات و رویدادها به دست آنان امکان پذیر است و در طول نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی به نقش مردم و تأثیرگذاری آن توجه ویژه‌ای داشته و به مسئولین و دست‌اندرکاران نیز سفارش نموده‌اند که این امر مهم را نه تنها فراموش نکنند بلکه اساس و محور کار خود قرار دهند. بدین جهت در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیر المؤمنین و حسین بن علی- صلوات الله علیه و آله- است. این ملت را بداند و در خدمتگاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای آنم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد تمام و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بداند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۲).

۶- قانون

قانون‌مداری یک اصل محوری در اندیشه حکمرانی امام (ره) است. این مسأله از این نظر مهم است که در بسیاری از مسائل، گروه‌ها و تفکرات و استفاده از نیروهای توانمند از هر جریانی بود و به جذب حداکثری که نور چشمان ما و اولیای آنم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد تمام و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بداند.» (همان، ج ۱۳، ص ۴۱۲).

۲- حفظ استقلال، آزادی و ارزش‌های انسانی:

«از حفظ استقلال، آزادی و ارزش‌های انسانی» که استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجمعات

بنیانگذار جمهوری اسلامی

سنگ بنای مدینه فاضله را بر اساس حاکمیت قانون اسلام می‌داند و می‌فرماید: «قانون تمدن جهان پیش قدم همه قانون‌ها است، با عملی شدن آن، مدینه فاضله تشکیل می‌شود»

بنیانگذار جمهوری اسلامی

سنگ بنای مدینه فاضله را بر اساس حاکمیت قانون اسلام می‌داند و می‌فرماید: «قانون تمدن جهان پیش قدم همه قانون‌ها است، با عملی شدن آن، مدینه فاضله تشکیل می‌شود»

بنیانگذار جمهوری اسلامی

سنگ بنای مدینه فاضله را بر اساس حاکمیت قانون اسلام می‌داند و می‌فرماید: «قانون تمدن جهان پیش قدم همه قانون‌ها است، با عملی شدن آن، مدینه فاضله تشکیل می‌شود»

بنیانگذار جمهوری اسلامی

سنگ بنای مدینه فاضله را بر اساس حاکمیت قانون اسلام می‌داند و می‌فرماید: «قانون تمدن جهان پیش قدم همه قانون‌ها است، با عملی شدن آن، مدینه فاضله تشکیل می‌شود»

بنیانگذار جمهوری اسلامی

سنگ بنای مدینه فاضله را بر اساس حاکمیت قانون اسلام می‌داند و می‌فرماید: «قانون تمدن جهان پیش قدم همه قانون‌ها است، با عملی شدن آن، مدینه فاضله تشکیل می‌شود»

قهرمان اسفار

کتاب رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی به نسبت حکمت متعالیه و اندیشه امام می‌پردازد



دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در آستانه سالگرد ارتحال امام خمینی، این پرسش قابل طرح است که میراث فکری و علمی ایشان چیست و چگونه می‌توانیم اندیشه عمیق و ریشه‌دار ایشان را برای نسل جدید بازخوانی کنیم. کتاب «رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی: تحلیل انقلاب اسلامی از منظر حکمت متعالیه» نوشته نجمه کیخا (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) و اینجانب، پاسخی است به این نیاز اساسی. این اثر نشان می‌دهد امام خمینی فراتر از یک فقیه و مرجع تقلید، حکیمی متاله در مکتب «حکمت متعالیه» بود و انقلاب اسلامی را باید بر اساس همین دستگاه فلسفی تحلیل کرد. در این یادداشت، ضمن معرفی ایده اصلی کتاب، به نقش محوری امام خمینی در پیوند حکمت متعالیه و انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

در باب اهمیت کتاب

مهم‌ترین دلیل برای مطالعه این کتاب، تلاش آن برای ارائه یک «نظریه بومی» در تحلیل انقلاب اسلامی است. پیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب می‌گذرد، اما بیشتر تحلیل‌های ارائه شده از این رویداد، مبتنی بر نظریه‌هایی است که در بستر اندیشه سیاسی غرب شکل گرفته‌اند. نویسندگان کتاب به درستی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا انقلابی به عظمت انقلاب اسلامی می‌تواند فاقد پشتوانه فلسفی باشد؟ پاسخ ایشان منفی است و در ادامه نشان می‌دهند تحول انقلاب و رهبری آن، دارای پشتوانه فلسفی اصیلی هستند که می‌تواند چارچوبی مستقل و گراژمد برای تحلیل ارائه دهد. خواندن این کتاب به همه کسانی که به دنبال درک ریشه‌های فکری انقلاب اسلامی می‌شوند، افزون بر این، کتاب نشانه می‌دهد چگونه می‌توان با تکیه بر میراث فلسفی اسلامی ایرانی، نظریه‌ای رقیب برای نظریه‌های غربی انقلاب عرضه کرد.

ایده اصلی: پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی

مدعی محوری کتاب این است که پشتوانه فلسفی انقلاب اسلامی را باید در «حکمت متعالیه» جست‌وجو کرد؛ مکتب فلسفی (فلسفه‌شناسی) شیخ رازی (ملاصدرا) در قرن یازدهم هجری بنیان نهاد و بر سه رکن اساسی «برهان، قرآن و عرفان» استوار است. نویسندگان با استناد به شواهد متعدد نشان می‌دهند که امام خمینی نه تنها فقیه و مرجع تقلید، بلکه حکیمی متاله و عارفی واصل در این مکتب بود. ایشان سال‌ها به تدریس «اسفار اربعه» ملاصدرا و «شرح منظومه» حاج ملاهادی سبزواری اشتغال داشت و تقریرات فلسفی‌شان در سه جلد به جای مانده است. امام خمینی در پاسخ به حسنین هیکل که پرسید چه اندیشه‌ها و اندیشمندانی بر شما تأثیرگذار بوده‌اند، صریحاً فرمود: «در فلسفه، ملاصدرا». همچنین در نامه تاریخی به گویاچاف، از او دعوت کرد اندیشمندان شوری را به قم بفرستند تا حکمت متعالیه را بیاموزند و تأکید کرد این حکمت می‌تواند نجات‌بخش آنان باشد. رهبر شهید انقلاب نیز در تأیید این مطلب فرمودند: «امام خمینی چکیده و زنده مکتب ملاصدرا است.»

امام خمینی، قهرمان اسفار اربعه

بدیع‌ترین بحث کتاب، تفسیر انقلاب اسلامی در چارچوب «اسفار اربعه» (چهار سفر عقلی) ملاصدراست. در حکمت متعالیه، سیر و سلوک عرفانی در چهار مرحله صورت می‌پذیرد: سفر اول، سفر از خلق به سوی حق، گذر از طبیعت و وصول به ذات الهی است. سفر دوم، سیر در شئون، کمالات، اسماء و صفات الهی است. سفر چهارم، حضور در میان خلق برای هدایت و راهنمایی آنان به سوی حق است. نویسندگان بر این باورند که امام خمینی پیش از انقلاب، سه سفر نخست را طی کرده بود: سال‌ها خلوت و عزلت، ریاضت و تهذیب نفس، تدریس فلسفه و عرفان، تألیف آثار ارزشمندی چون «مصباح الهدایه»، «شرح دعای سحر» و «سفر چهارم» وصول به حق و فناء فی الله. اما سفر چهارم، سفر بازگشت به خلق و هدایت جامعه بود. این سفر جز با حضور در متن جامعه و قبول زعامت و رهبری سیاسی میسر نبود. از این رو، انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی، نه یک امر سیاسی صرف، بلکه تکمیل‌کننده در سیر سلوک عرفانی امام خمینی و تحقق

بخشی به بعد چهارم «اسفار اربعه» بود. آیت‌الله جوادی آملی در کتاب «بنیان مرموض» از امام خمینی با تعبیر «قهرمان اسفار اربعه» یاد می‌کند.

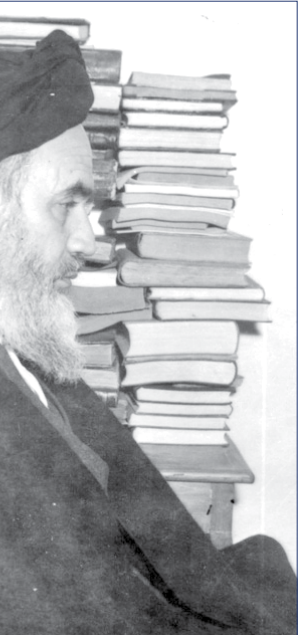
حرکت جوهری: بنیان نظری انقلاب اسلامی

از دیگر ظرفیت‌های مهم حکمت متعالیه که کتاب به تفصیل به آن می‌پردازد، نظریه «حرکت جوهری» است. بر اساس این نظریه که از ابتکارات ملاصدراست، جهان طبیعت یکپارچه در حال سیلان و جنبش و جهش است؛ جوهر اشیا در حال تحول و دگرگونی است و هیچ چیز در وضعیت سکن و ثابت باقی نمی‌ماند. این نگاه هستی‌شناختی، پیامدهای سیاسی و اجتماعی عمیقی دارد. نخست آنکه تغییر و تحول امری طبیعی و مطلوب تلقی می‌شود و جمعی می‌دانند. آنکه انسان می‌تواند و باید در مسیر این حرکت جوهری، نقش فعال و ارادی ایفا کند. امام خمینی انقلاب اسلامی را یک «حرکت جوهری ارادی» در سطح جامعه می‌دانست؛ حرکتی که جوهره ایمان مردم و ارزش‌های اسلامی آن را جهت داده است. این نگاه فلسفی، انقلاب را نه یک رویداد سطحی و زودگذر، بلکه دگرگونی عمیق در هویت فردی و جمعی می‌داند. **قاعده نفس و بدن: الگویی برای مردم‌سالاری دینی**

یکی از ابتکارات مهم ملاصدرا قاعده «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا» است. بر این اساس، نفس انسان از دل بدن مادی پدید می‌آید و در ابتدا وابسته و نیازمند بدن است، اما تدریجاً با حرکت جوهری خود، به مرتبه تجرد می‌رسد و تعالی می‌یابد. با این حال، حتی در مراتب بالای تجرد، نفس به نحوی با بدن مرتبط است و بدن زمینه و بستری تعالی اوست. کتاب حاضر این قاعده فلسفی را به حوزه سیاست تعمیم می‌دهد. همان‌طور که نفس از بدن می‌آید و به آن وابسته است، «شریعت» نیز از دل جامعه و «سیاست» برمی‌آید و برای بقا و تعالی خود نیازمند بدنه مادی و سیاسی جامعه است. از این منظر، نه می‌توان سیاست را از دین جدا کرد و نه دین را از سیاست بی‌نیاز دانست. این قاعده فلسفی همچنین نقش مردم را در نظام سیاسی توجیه می‌کند. همان‌طور که بدن در پدیدایش و بقای نفس نقش

سخن پایانی

خوانش کتاب «رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی» فرصتی برای درک عمیق‌تر ابعاد فلسفی و عرفانی اندیشه امام خمینی است. کتاب نشان می‌دهد حکمت متعالیه نه تنها در پیدایش انقلاب اسلامی

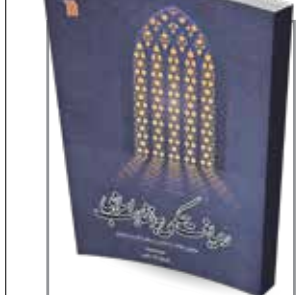


امام خمینی پس از آزادی از حبس و حصر در منزل شخصی در شهر قم

نقش داشته، بلکه می‌تواند در تداوم و استمرار آن نیز راهگشا باشد. بازخوانی ارزش‌های اصیل انقلاب (استقلال، آزادی، عدالت، معنویت و اخلاق) بر اساس مبانی حکمت متعالیه می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سمت اهداف اصلی انقلاب هدایت کند و از انحرافات احتمالی جلوگیری نماید. ایده اصلی کتاب این است که انقلاب اسلامی، تجلی عینی «سفر چهارم» عرفانی امام خمینی و تحقق عملی حکمت متعالیه در عرصه سیاست و جامعه بود. این رهیافت بومی و فلسفی، ضمن نقد نظریه‌های غربی انقلاب، مسیری نو برای تحلیل، تبیین و تداوم انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. نویسندگان در پایان تأکید می‌کنند حکمت متعالیه انقلاب اقتباس شده است. لایه نخست «حکمت و فلسفه» است که به چاربی و هستی‌شناسی انقلاب می‌پردازد. لایه دوم، پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل: چرا انقلاب رخ داد؟ چه نیروهای بنیادین و متافیزیکی در وقوع آن نقش داشتند؟ در این لایه، مبانی حکمت متعالیه (اصالت

سه لایه تحلیل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی

کتاب «رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی» یک الگوی سه‌لایه‌ای برای تحلیل انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد که از ساختار وجودشناختی حکمت متعالیه اقتباس شده است. لایه نخست «حکمت و فلسفه» است که به چاربی و هستی‌شناسی انقلاب می‌پردازد. لایه دوم، پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل: چرا انقلاب رخ داد؟ چه نیروهای بنیادین و متافیزیکی در وقوع آن نقش داشتند؟ در این لایه، مبانی حکمت متعالیه (اصالت



رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی
تحلیل انقلاب اسلامی از منظر حکمت متعالیه
● نویسنده: نجمه کیخا
● شریف لک‌زایی
● انتشارات: سروش
● تعداد صفحات: ۱۷۵ صفحه
● قیمت: ۹۷۰۰۰ تومان

وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، انسان‌شناسی فلسفی و رابطه نفس و بدن) به کار گرفته می‌شود. لایه دوم «اخلاق و عرفان» است که به ارزش‌ها و گرایش‌های انقلابی توجه دارد. امام خمینی همواره بر اولویت «خودسازی» بر «جامعه‌سازی» تأکید می‌کرد و معتقد بود انقلاب اسلامی در وهله نخست، انقلابی درونی و اخلاقی است. لایه سوم «فقه و رفتار» است که ناظر به کنش‌ها و رفتارهای عینی انقلابی است: فتواها، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، سازماندهی‌ها، تظاهرات و در نهایت تأسیس نهادهای جدید (سبیح، کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی). این الگوی سه‌لایه‌ای نشان می‌دهد که تحلیل انقلاب اسلامی بدون توجه همزمان به هر سه لایه، ناقص و یک‌بعدی خواهد بود و نظریه‌های غربی عمدتاً تنها به لایه سوم (و گاهی تا حدودی لایه دوم) توجه کرده‌اند و از لایه اول غفلت ورزیده‌اند.

سخن پایانی

خوانش کتاب «رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی» فرصتی برای درک عمیق‌تر ابعاد فلسفی و عرفانی اندیشه امام خمینی است. کتاب نشان می‌دهد حکمت متعالیه نه تنها در پیدایش انقلاب اسلامی



امام خمینی پس از آزادی از حبس و حصر در منزل شخصی در شهر قم

نقش داشته، بلکه می‌تواند در تداوم و استمرار آن نیز راهگشا باشد. بازخوانی ارزش‌های اصیل انقلاب (استقلال، آزادی، عدالت، معنویت و اخلاق) بر اساس مبانی حکمت متعالیه می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سمت اهداف اصلی انقلاب هدایت کند و از انحرافات احتمالی جلوگیری نماید. ایده اصلی کتاب این است که انقلاب اسلامی، تجلی عینی «سفر چهارم» عرفانی امام خمینی و تحقق عملی حکمت متعالیه در عرصه سیاست و جامعه بود. این رهیافت بومی و فلسفی، ضمن نقد نظریه‌های غربی انقلاب، مسیری نو برای تحلیل، تبیین و تداوم انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. نویسندگان در پایان تأکید می‌کنند حکمت متعالیه انقلاب اقتباس شده است. لایه نخست «حکمت و فلسفه» است که به چاربی و هستی‌شناسی انقلاب می‌پردازد. لایه دوم، پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل: چرا انقلاب رخ داد؟ چه نیروهای بنیادین و متافیزیکی در وقوع آن نقش داشتند؟ در این لایه، مبانی حکمت متعالیه (اصالت

سه لایه تحلیل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی

کتاب «رهیافت حکمی به انقلاب اسلامی» یک الگوی سه‌لایه‌ای برای تحلیل انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد که از ساختار وجودشناختی حکمت متعالیه اقتباس شده است. لایه نخست «حکمت و فلسفه» است که به چاربی و هستی‌شناسی انقلاب می‌پردازد. لایه دوم، پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل: چرا انقلاب رخ داد؟ چه نیروهای بنیادین و متافیزیکی در وقوع آن نقش داشتند؟ در این لایه، مبانی حکمت متعالیه (اصالت